فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۲۳-۱۰۹ New Period, No 18, 2019, P 109-123
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

جهانی شدن روابط بین‌الملل و صلح

بهزاد صادقی
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

چکیده

تمامی ادیان و مذاهب بزرگ دربارهٔ صلح به تأمل و به عرضهٔ آموزه پرداخته‌اند. در این زمینه، اسلام نیز آموزه‌ها و ایده‌هایی دارد اما صورت‌بندی گفتمانی جامع از آن، به میان نیامده است. ازاین‌رو، تولید آثار نظری آکادمیک در این عرصه، مورد توجه جدی صورت نگرفته است. امروزه در عصر پست مدرن چالش‌های فرا روی دولت‌ها و جامعه بین‌المللی واک‌های بسیار متفاوتی را از نظام حقوق بین‌المللی و همچنین نقش‌های متفاوتی را برای این نظام می‌طلبد. روند جهانی شدن و پیدایش تهدیدات نوین فراملی علیه صلح و امنیت در روابط بین‌الملل به طور اساسی ماهیت و زمامداری و اهداف اساسی حقوق بین‌الملل را در چند سال گذشته تغییر داده است مشکلات بین‌المللی از آلودگی مرزی گرفته تا اردوگاه‌های تروریستی، از سیل پناه جویان گرفته تا گسترش تسلیحات، همه و همه دارای منشا و ریشه داخلی هستند که هر نظام حقوقی بین‌المللی غالبا قدرت زیادی به آنها را ندارد. در این میان یکی اتو پدیده‌های مهم و بحث برانگیر بین‌المللی، معلقه‌ای و ملی در دهه نخست قرن ۲۱ و آغاز هزاره سوم و یکی از اساسیترین معضلات و چالش‌های بین‌المللی و خطرناک‌ترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی مساله تروریسم است. در پرتو جهانی شدن و یا از رهگذر اندیشه جهان شهری نه تنها حقوق بین الملل و آرمان صلح گرایانه بلکه خشونت نیز همانند پدیده تروریسم خشونت بار متجلی از ۱۱ سپتامبر جهانی و فراگیر می‌شود. حقوق بین‌الملل عمده تاکید خود را بر روی تروریسم فرامرزی قرار داده است، زیرا تروریسم معارض با حقوق بین‌الملل و صلح بین‌المللی است. بنابراین امروزه نگرانی پست‌مدرن در حقوق بین الملل، چگونگی استمرار بخشیدن به صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از وقوع جنگ است. از آنجا که کشورها بماند تا با همین منافع ملی به مسایل و موضوعات می‌نگرند، رویارویی با تروریسم بین‌الملل از طریق حقوق بین‌الملل و در راستای صلح بین‌الملل با چالش‌ها و موانع جدی مواجه خواهد شد. حقوق بین‌الملل هنگامی می‌تواند در ممانعت از تروریسم موفق باشد که کنوانسیون‌ها و قراردادهای حقوقی بین‌المللی در یک محیط مناسب بین‌المللی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مورد عمل قرار گیرند، تعارضات حقوقی و سیاسی در سطح جامعه جهانی برطرف شود و اصل کلی فراحقوقی حقوق بین‌الملل نیز با پد نه تنها صلح میان دولت‌ها، بلکه میان بشریت، و آینده آن باشد. بنابراین یک نظم حقوق بین‌المللی محکم همراه با اصول و رویه‌های چند جائیگی لازم است تا قواعد اساسی یک تمدن جهانی در حال ظهود را باز تعریت کند و اته حرقی نیاز به یک بانی اندیشی بسیار جدی در صلح جهانی وجود دارد که تمام عناصر متشکله روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرند و یک سری تعاریف و مفهوم‌سازی‌های مجدد باید صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: حقوق بین‌الملل، صلح بین‌الملل، تروریسم جهانی، حقوق بین‌الملل جهانی، صلح جهانی، امنیت جهانی.

مقدمه

گونه‌شناسی مناظره‌ها در روابط بین‌الملل:

۱- مناظره اول: بین رئالیسم و لیبرالیسم بین ۴۰ – ۱۹۳۰ که بعدها به مناظره بین نئورئالیسم و نئولیبرالیسم تبدیل شد. این مناظره در مورد ماهیت و سرشت روابط بین‌الملل بوده است. مفهوم قدرت –امنیت ساختار نظام بین‌الملل و. . .

۲- مناظره دوم: بین سنت‌گرایی و رفتارگرایی در دهه ۱۹۶۰ با موضوع روش‌شناسی روابط بین‌الملل است. نظریه سنت‌گرا تقدم عین بر ذهن را مطرح می‌کند. این مناظره در واقع مناظره بین کیفی‌گرایی (سنت) و کم‌گرایی (رفتار) است.

۳- مناظره سوم: بینسنت‌گرایی وبازتاب‌گرایی از ۱۹۸۰ بهبعد این مناظره در زمینه مباحث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است. بازتاب‌گراها که شامل انعکاسی و فرا اثبات‌گرا هستند قائل به تقدم ذهن بر عین هستند و البته این نظریه فاقد مدل بوده و بیشتر نظریه سنت را مورد نقد قرار می‌دهد.

جهانی شدن

پدیده جهانی شدن اولین بار در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد و در ابتدا به عنوان فرایندی اقتصادی شناخته شد. فرایندی که در آن به تدریج پدیده‌ها و روابط اقتصادی جنبه جهانی می یابند اما این فرایند در همه جنبه‌های روابط بین‌الملل از جمله سیاسی، نظامی و فرهنگی گسترش پیدا کرد که در ادامه بحث به آن پرداخته می‌شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

دیدگاه‌های مختلف در مورد جهانی شدن:

۱- لیبرال‌ها: نگاه لیبرال‌ها به تحولات جهانی و مقوله جهانی شدنی نگاه ایدئولژیک است که نگاه ایدئولوژیک خود را در تحلیل رویدادها دخیل کرده‌اند. ازمنظر لیبرالیسم پدیده جهانی شدن وسیله‌ای برای رهایی از قید و بند سنت‌گرایی و کمونیسم و نیز استقرار صلح و آزادی همگانی تلقی می‌شود. نگرش لیبرالیستی که در دو دهه اخیر به ویژه پس از فروپاشی شوروی به پارادایمی نسبتا مسلط تبدیل گردیده به پدیده جهانی شد ناز دو دیدگاه متضاد می نگرد:

ـ برخی از دیدگاه بدبینانه جهانی شدن را سرآغاز مرحله جدیدی از روابط بین‌الملل تلقی می‌کنند که توام با رقابت‌های احتمالی بین فرهنگ‌ها و تمدن هاست.

ـ برخی دیگر جهانی شدن را به مثابه پیروزی همه انبه غرب بر ملت‌ها و کشورهای غیرغربی ارزیابی می‌کنند و صدور لیبرالیسم را برای برقراری صلح جهانی لازم می‌دانند. این غرور حاصل از چیرگی لیبرالیسم افرادی مثل فوکویاما را بر آن داشت که صحبت از پایان تاریخ نماید و لیبرال دموکراسی غرب را فاقد هرگونه رقیب ایدئولژیک بداند.

مهمترین نظریه‌پردازان لیبرال عبارتند از: دیوید هلد – آنتونی مک رو – جوزف نای – رابرت کوهن – اوهمای و فوکویاما مشخصه اصلی این نظریه آن است که به تدریج روابط و تعاملات اقتصادی آزاد جایگزین روابط قهرآمیز خواهدشد.

۲- رئالیست‌ها: نگاه رئالیست‌ها نیز به تحولات جهانی یک نگاه ایدئولوژیک است. رئالیست‌ها یا واقع‌گرایان برخلاف لیبرال‌ها سیاست بین اصل را صحنه‌ای برای کسب قدرت و تامین منافع ملی می‌دانند از این نظر در نظام بین‌الملل هیچ قدرتی فراتر از دولت نیست. فلذا جهانی شدن هر چند ممکن است زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری را تحت تاثیر قرار دهد ولی مانع کسب قدرت سیاسی دولت‌ها نیست. بنابراین از اهمیت توازن قواو ضرورت استفاده از زور کاسته نمی‌شود. در واقع نگرش رئالیستی در پی یافتن قوانین علت و معلولی در تبیین پیدایش تحولات سیاسی و اقتصادی است.

مهمترین نظریه‌پردازان رئالیست عبارتند از: کنت واتس – رابرتگیپلین- استفان کراسنر - پل هرست و گراهام ثامسپو. مشخصه اصلی این نظریه این است که به وجود پدیده جهانی شدن به دیدهتردید نگریسه و آن را اغراق آمیز می‌دانند.

۳- مارکسیست‌ها: این نظریه تحت عنوان نظریه نظام جهانی که ریشه در تفکر مارکسیستی دارد، پدیده هانی شدن را چیز تازه‌ای نمی‌دانند. بلکه آن را تلاش نظام سرمایه‌داری برای رهایی از بحران می‌پندارد. البته این نظریه در صدد انکار دگرگونی و تحولات جهانی نیست اما نو بودن این تحولات را قبول ندارد بلکه آن را ادامه روند توسعه نظام سرمایه داری می‌داند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

این نظریه نسبت به پدیده جهانی شدن نگاهی انتقادی دارد. از مهمترین نظریه‌پردازان مارکسیست می‌توان به سمیراسین – والرستاین و هابرماس اشاره کرد.

٤- جامعه شناختی: این دیدگاه به پدیده جهانی شدن از منظر جامعه‌شناختی می‌نگرد و یک نگاه پروژه‌ای به این موضوع دارد. منظور از نگاه جامعه‌شناختی مبنای کلاسیک آنیست بلکه بدین معناست که جهانی شدن در بطن و جوهره پدیده‌های اجتماعی قرار دارد. جهانی شدن تغییر در بنیادهای زندگی اجتماعی بشر است. از مهمترین این نظریه پردازان گیدنز، رابرتسون، آلبرو و مالکومو واترز هستند.

٥- اسلام‌گرایان: این نظریه نیز به تحولات جهانی و پدیده جهانی شدنیک نگاه انتقادی دارد و آنرا یک پروژه تهدید محور می‌داند. نظام فکری در ایران این گونه است و جهانی شدن را یک تهدید برای هویت اسلامی تلقی می‌کند و اصطلاحا واژه پاراگفتمان انقلاب اسلامی را واکنشی به این فرایند می‌داند. ***

البته طبقه‌بندی گروهی از متفکران به عنوان لیبرالسیم اگرچه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های دسته‌بندی و شناخت نظریه‌های سیاسی است. اما این تقسیم‌بندی در مورد نظریه‌پردازان جهانی شدن کمی مشکل است، چرا که ابعاد و شیوه‌های مختلف نظریه‌پردازی نشان از اختلاف نظر وچندگانگی در نظریات آنان است. به علاوه اطلاق عنوان لیبرال این شبهه را ایجاد می‌کند که آنان مروج ایدئولوژی و نگرش سیاسی خاصی هستند مثل فوکویاما اما برخی دیگر از آنان مانند دیوید هلد وآنتونی مک گرو بیشتر قصد تبیین علمی این فرایندرا دارند تا ترویج ایدئولوژی لیبرالیستی. یا افرادی مانند اوهمای بیشتر به دنبال نقد نگرش رئالیستی در رابطه جهانی شدن هستند تا رواج لیبرالیسم.

ـــ جهان‌گرایان افراطی: تا پایان قرن بیست جهانی شدن تمامی بنیادهای دنیارا دگرگون کردهاست. مارتین آلبرو – سیمرامین استفانگیل – اوهمای که از غله‌های مختلف هستند جرواین دسته از نظریه‌پردازان می باشند.

ـــ شک‌گرایان: اعتقادی به جهانی شدن ندارند و بیشتر واژه بین‌المللی شدن را به کار می‌برند و آن را دارای سابقه قبلی می‌دانند. رئالیست‌هایی مانند کراسنر - والتز در این گروه قرار دارن.

ـــ تحول‌گرایان: برخلاف گروه اول این فرایند را ؟؟؟ نمی‌دانند و جهان را در حال تحول و دگرگونی اساسی که در پایان قرن بیست قابل مشاهده و تبین است. جیمز روزنا – جوزف نای – آنتونی گیننز – کاستنر.

گروه اول (جهان‌گرایان افراطی): معتقدند جهانی شدن یعنی عصر جدیدی از تاریخ بشر که در آن دولت ملت‌های سنتی به یک پدیده غیرطبیعی در عرصه جهانی به ویژه در اقتصاد و جهانی شدن بدل شده‌اند. بخش عمده‌ای از این نگرش بر حوزه اقتصاد متمرکز است و زندگی اقتصادی را غیر ملتی می‌دانند. پدیده‌هایی مثل بازار جهانی و سرمایه جهانی اقتصاد بدون مرزی را در عرصه جهانی پدید آورده

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

است که دولت ملت‌ها نقش کوچکی در آن دارن. بنابراین در این عصر شاهد محو تدریجی دولت-ملت‌های هستی.

گروه دوم (شک گرایان): معتقدندبراساس آمار و ارقام، در عرصه اقتصاد و فرهنگ درجاتی از وابستگی متقابل وجود دارد ولی پدیده جدیدی نیست و از قرن ۱۹ به این سو شاهد آن بوده‌ایم که تفاوت زیادیدر میزان و سطح این وابستگی متقابل دیده نمی‌شود. تحولاتی که در حوزه اقتصاد و فرهنگ اتفاق افتاده است فقط نشانه سطح بالاتری از بین‌المللی شدن است.

گروه سوم (تحول گرایان): معتقدند فرایند کنونی جهانی شدن بی‌سابقه است و مشابه و نمونه‌ای در تاریخ بشر ندارد. در شرایط جدید تقسیم‌بندی بین عرصه داخلی، منطقه‌ای و جهانی امکان‌پذیر نیست. از نظر آنان فرایندهایی در جهان مشهود است که همه کشورها و جوامع را به صورت بخش‌هایی از یک نظام جهانی در می آورد و همه کشورهای جهان امروزه بخشی از یک سیستم بزرگتر جهانی‌اند. جهانی شدن به معنی از بینرفتن دولت ملت نیست بلکه طبقه‌بندی و کارکردهای جدیدی را برای جوامع بشری به وجود می‌آورد.

جهانی شدن و مفهوم جهانی گرائی:

برای نای و کوهن، جهانی شدن فرایندی طبیعی است که نتیجه وابستگی متقابل بوده و در بستر آن اتفاق می‌افتد. از نظر آنان، جهانی شدن اصطلاح رایج دهه ۹۰ بود مانند واژه وابستگی متقابل در دهه ۷۰.

البته آنان به جای کلمه «جهانی شدن» از اصطلاح «جهان‌گرایی» استفاده می‌کنند. به دلیل آنکه جهانی شدن متضمن نوعی سیاست است اما جهانی‌گرایی شرایطی است که می‌تواند تشدید یا کاهش یابد. بنابراین جهان‌گرایی نوعی وابستگی متقابل است، اما با دو ویژگی معین:

۱- وجود شبکه‌هایی از بهم پیوستگی صدگانه و نه یک پیوستگی واحد. مثلاً میان ژاپن و آمریکا وابستگی متقابل نظامی و اقتصادی وجود دارد ولی این وابستگی مصداق جهان‌گرایی آنها نیست.

۲- وجود شبکه‌ای از روابط جهانی که باید شامل روابط فراتر از قاره‌ها و بین قاره‌ها باشد. «ناصله» تغییری حذف‌شدنی است و باید دول کره زمین از آمریکا تا استرالیا را بهم متصل نماید.

اشکال مختلف جهان‌گرایی:

۱- جهان‌گرایی اقتصادی: شامل جریان بین‌قاره‌ای کالا، خدمات و سرمایه و اطلاعات و سازمان‌هایی که این جریان‌ها را به هم متصل می‌کند.

۲- جهان‌گرایی نظامی؛ که امکان اعمال زور، تهدید و امنیت را از راه دور امکان‌پذیر می‌سازد. مثل موازنه وحشت در دوران جنگ سرد بین آمریکا و شوروی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۳- جهان‌گرایی زیست‌محیطی: که شالم حمل و نقل مواد، اکتشافات بیولژیک و مولوژنتیکی بهداشت جهانی و امثال آن است. مشکلات لایه اوزن، گسترش ایدز و انهدام محیط‌زیست از نمونه بارز این جهان‌گرایی است.

٤- جهان‌گرایی فرهنگی و اجتماعی: که شامل حرکت اندیشه‌ها، اطلاعات، ذهنیات مردم در سراسر جهان می‌شود. گسترش جهانی مذهب و شیوه‌های دانش علمی نمونه‌های بارز آن هستند.

البته درست است که جهان‌گرایی ابعاد و اشکال مختلف دارد ولی این بدان معنی نیست که همگی این وجوه یکسان و همزمان و همراه هم وجود داشته‌اند.

از نظر نای و کوهن، جهان‌گرایی و جهانی‌شدن تا حدودی با هم متفاوت است. جهان‌گرایی ریشه‌های کهن و تاریخ دیرینه دارد، اما جهانی‌شدن افزایش جهانی‌گرایی در شرایط کنونی است. بنابراین جهانی شدن پدیده‌ای جدید و جهان‌گرایی قدیمی و ریشه‌دار است و هر چند که جهان‌گرایی امروز، جهان‌گرایی قرن ۱۹ بسیار متفاوت است.

شاخص‌های جدید جهان‌گرایی:

۱- فشردگی و تراکم شبکه‌ها: افزایش وابستگی متقابل و جهان‌گرایی موجب شده است روابط نظام‌مند میان شبکه‌های مختلف افزایش یابد. مثلاً افزایش تجارت بر صنعت، افزایش صنعت بر محیط زیست و تخریب محیط‌زیست بر جنبش‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

۲- سرعت و شدت نهادی: انقلاب اطلاعات در مرکز اصلی جهانی شدن اقتصادی ـ اجتماعی قرار دارد. این انقلاب با تأثیر بر سازمان‌های فراملی باعث گسترش بازارها و تقسیم کار بین‌المللی شده است. اولین گام در انقلاب اطلاعاتی در سال ۱۸۶۶ برداشته شد. هنگامی که خطوط تلگراف، نیویورک و لندن را در دو سوی اقیانوس اطلس به هم متصل کرد و با ایجاد اینترنت این تحول با سرعت بیشتر و هزینه بسیار کمتری به اوج خود رسید. تحول در ارتباطات نه‌تنها سرعت انتقال پیام را افزایش داد بلکه سرعت و شدت را نهادینه ساخته است. انتقال اخبار و اطلاعات و روابط اداری و مالی از طریق اینترنت به گونه‌ای نهادینه شده است که ارتباط از طریق کاغذ به فراموشی سپرده شده است.

۳- مشارکت فراملی و وابستگی متقابل پیچیده، کاهش ارتباطات، تعداد بازیگران فعال را افزایش داده است و وابستگی متقابل پیچیده آنان را تشدید کرده است. وجود کانال‌های چندگانه با بازیگران متعدد که فقط دولتی نیستند، موضوعات و مسائل چندگانه جهانی که در قالب سلسله مراتب داخلی یا جهانی نمی‌گنجد و کم‌اهمیت شدن تهدید به زور در میان دولت‌هایی که در چارچوب وابستگی متقابل پیچیده قرار دارند، سه ویژگی توصیف این مفهوم‌اند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بنابراین سرعت انتقال پیام و سرعت نهادینه شده و تأثیرگذاری متقابل در عرصه جهانی از ویژگی‌های عمده جهان‌گرایی جدید و جهانی شدن است که تمامی حوزه‌های حیات بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده و امکان برقراری ارتباط از راه دور را برای همه انسان‌ها فراهم ساخته است.

ادبیات تحقیق

روابط بین‌الملل مقدم بر حقوق بین‌الملل است و تا زمانی که این روابط برقرار نباشد حقوق بین‌الملل بوجود نمی‌آید، به عبارتی روابط بین‌الملل زمینه ساز اصلی و اساسی حقوق بین‌الملل است، از این روست که حقوق بین‌الملل را ناشی از روابط بین‌الملل می‌دانند، اما هنگامی روابط بین‌الملل انسجام و انتظام می‌یابد که معیارهای حقوقی بر آن حاکم و ناظر گردد و آن ملاک‌های حقوقی چیزی جز حقوق بین‌الملل نیست. بنابراین حقوق بین‌الملل تنظیم‌کننده روابط بین‌الملل است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۴). حقوق بین‌الملل سعی در حفظ تمامیت ارضی و استقلال همه کشورها دارد، در حالی که در روابط بین‌الملل واحدهای سیاسی سعی در حفظ منافع ملی خود داشته و گاه حفظ منافع ملی یک کشور معارض با استقلال و تمامیت ارضی کشور دیگر است.» (قادری، ۱۳۶۸: ۲۰۱-۲۰۰). تأمین صلح و امنیت جهانی یکی از عوامل اساسی ضرورت ارتقای سطح هدایت‌پذیری نظام بین‌المللی قلمداد می‌شود. هدایت‌پذیری نظام بین‌الملل تا اندازه زیادی به حقوق بین‌الملل وابسته است. به عبارتی هدایت‌پذیری روندهای بین‌المللی می‌تواند فقط از طریق تنظیم بر اساس حقوق بین‌الملل تأمین شود. رویه قضایی بین‌المللی منافع ملی حیاتی دولت‌ها را نقض نمی‌کنند بلکه بر خلاف دولت قائل به تئوری حاکمیت و منافع ملی حیاتی محدو داند و اعلام می‌نمایند که منافع ملی دولت‌ها محدود به حقوق بین‌الملل است نه تفسیر هر یک از دولت‌ها.» (سواری و پیری، ۱۳۹۰: ۲۷۵). زیرا دولت‌ها همواره به بهانه منافع ملی حیاتی خود، محدودیت‌هایی بر موازین و قواعد حقوق بین‌الملل اعمال می‌کنند و اظهار می‌نمایند که ما نباید امنیت و منافع ملی خود را فدای حشرق بین‌الملل کنیم. در نظم حقوقی جدید که «انسانی شدن حقوق بین‌الملل» نیز نامیده می‌شود، هر چند دولت‌ها هنوز بازیگر در منطق حقوق و روابط بین‌الملل هستند، اما هرگز مقوله امنیت، نظم و منافع ملی نباید به دولت‌ها این بهانه را بدهند تا برای دستیابی و رسیدن به آنها دست به هر اقدامی بزنند. (همان منبع : ۲۷۴-۲۷۱).

یک آرمان هر اندازه که مشروع باشد هرگز نمی‌تواند و نباید توسل به اقدامات تروریستی را توجیه نماید. (قادری کنگاوری و آقایی خواجه پاشان ۱۳۹۱: ۱۲۷). این در حالی است که در عصر پست مدرن تروریسم به چشم‌انداز، گرایش و گفتمانی برای دوران ما، شرایط کنونی و شیره تغییر دنیا تبدیل شده است.» (Kellner, ۲۰۰۳). بنابراین هنگامی که صلح و امنیت جهانی در برابر خطر تروریسم جهانی موازین حقوقی را به تحدید حاکمیت دولت‌ها وا می‌دارد، حقوق بین‌الملل، منافع ملی و دیگر آثار حاکمیت، دولت‌ها را به همسازی با نظم حقوقی جهان شمول و پست‌مدرن (حقوق بین‌الملل جهانی) ملزم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ساخته است. بنابراین حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی و به عنوان علمی که به طور مستقیم با الگوهای رفتاری گروه‌ها و روابط بین آنها سروکار دارد، صلح و معمای امنیت و نظم را به عنوان سطح موضوعی اصلی خود برگزیده و تبیین آن را به عنوان کارکرد اصلی خود می داند، ولی روابط بین‌الملل مانند سایر شاخه‌های علوم انسانی با واقعیت های اجتماعی پویا رو به روست و از این نظر نگارنده در پژوهش حاضر جهت بررسی دقیق موضوع و تحلیل و تئوریزه نمودن مسأله مورد پژوهش از نظریه‌های پست مدرن بهره‌گیری نموده است. به عبارتی چارچوب نظری که سامان مقاله حاضر را راهبری می‌کند، نظریه‌های پست مدرن در عصر جهانی شدن می‌باشد که در قالب نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل، سه پارادایم تروریسم جهانی، حقوق بین‌الملل جهانی و صلح و امنیت جهانی تحلیل، توریزه شده است ۵- صلح و امنیت جهانی از منظر نظریه‌های پست مدرن در روابط بین‌الملل اهمیت صلح در دنیای پست مدرن، احیای بازیگران قدیم با دستور کار جدید در سیاست و باز آفرینی زبانی و کلامی افراد و گروه‌های رانده شده به حاشیه و تلاش برای پذیرش گروه‌های جدید و شناخت شبکه در هم بافته تعامل‌ها و تقابل‌ها است. گینیز بوریمر، ۱۱ : ۱۳۸۰). صلح پست مدرن در مقایسه با پرداخت‌های گذشته کمتر در مکان‌های معینی جایگزین و ثابت است که در تقاطع مجموعه‌ای متکثر از راهبردها و مقررات فرا ملی جای‌گیر می‌شود (همان منبع: ۸۲).

مفهوم پست مدرن صلح بر خلاف امنیت که از مهمترین و در عین حال تهدید آمیزترین مفاهیم سیاسی به نظر می‌رسد کمتر با پیچیدگی‌های مفهوم‌سازی ناشی از تقارن با حاکمیت رو به رو است. از این منظر صلح محصول تعامل ساختارهای اجتماعی و اقتصادی است و از صلح داخلی با مصرف مرجیت دولت شالوه شکنی می‌شود. اساسا از منظر هستی‌شناسی صلح پدیده‌ای فرادولتی و جهانی به نظر می‌رسد. پویش صلح پروری در گرو تداوم و بقای تعادل اجتماعی است. (معنی علمداری، ۱۳۸۱: ۲۷۰). صلح به معنای رایج آن یعنی فقدان جنگ، روپای زیبایی که بشریت و جامعه بین الملل همواره در مسیر رسیدن به آن تلاش نموده است. موسوی، ۱۳۸۸). اما صلح پایدار به معنا سلبی فقدان تهدید با جنگ نیست. صلح پست‌مدرن پویشی مستمر است که بیشتر با روح بند ۳ ماده ۲ منشور و بند ۱ ماده ۱ سازگار است که پویش‌های مسالمت‌آمیز را در کاهش اختلافات مطرح می‌کند. فر کو بر خلاف عموم تفکرات منتقد تجدد و پست مدرن وجود یک قدرت مرکزی - مثل دولت با قدرت و حاکمیت مطلق را نفی می‌کند، هر چند با دیدگاهی بدبین، اما به مفهوم صلح پست مدرن نزدیک می‌شود، چه از یک سرکوب و توطئه عمومیت یافته سخن می گوید که به منزله حضور گسترده فاعل گزینشگر (سوژه) بوده و بدون اطرد، آن صلح محقق نمی شود. صلح با مفهوم رهایی، بازاندیشی و تبلور باوری قرین است و لازمه شکل‌گیری نسبی این مفاهیم تعدیل سازوکارهای متعارف‌سازی و به حاشیه راندن در تعبیر فرکو است. از دید فوکور فرد واقعیتی است دست

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

پرورده فناوری ویژه که دیسپلین (انضباط) خوانده می‌شود. او نتیجه متعارف‌سازی را جداسازی از بدنه اجتماع و تفاله سازی می‌انگارد و اندیشه سوژه را مغایر احترام، آزادی و عدالت می‌داند. (تورن، ۱۳۸۰: ۲۸۰). صلح پرستاری زنده است که با الهام از دیدگاه تبارشناسانه فر که باید در هر دوره زمانی به گونه‌ای تفسیر شود. در گذشته صلح به منزله نبود جنگ، ولی در عصر پست مدرن در سطوح مختلف ملی و فراملی برای همه امکان تأثیرگذاری و تفسیر را فراهم می‌کند. (توحیدی فرد، ۱۸۳ : ۱۳۸۱ -۱۸۲). بهترین حالت چیزی که در دوره مدرن شاهد آن بودیم صلح گسسته «صلح تارگونه به عنوان یک مفهوم چند بعدی در این دوره و آنچه در عصر پست مدرن شاهد خواهیم بود، در بدترین حالت گسستگی صلح» (صلح انسجام نیافته) که به عنوان یک مفهوم ذاتا و ضرورت یکپارچه در این عصر است. از دید هرمنوتیکی رابرتسون رسالت پست مدرنیسم از میان بردن فضای بینامتنی مترن جنگ و صلح است و به تعبیر دریدا نفی دوگانگی و نقد شالوده شکتانه این مفاهیم است. این متون در حال کنش و واکنش بوده و به منزله رابطه اندیشه‌ها و گفتمان‌ها می‌باشند که نظریه‌پردازی بینا متنی را می‌طلبد. (سلیمی، ۱۳۷۸ : ۶۹)- هدف بسیاری از پست مدرنیست‌ها این است که گفتمانی را در روابط بین‌الملل و جامعه جهانی به راه اندازند که ارمغانش صلح و سازگاری است. (بیلیس، ۶۸ : ۱۳۷۸) در واقع اصلح» در روابط بین‌الملل در برابر جنگ و دشمنی قرار دارد و بر اساس توافق گروهی شکل می‌گیرد. (میرکوشش، ۸ : ۱۳۹۲) امنیت پست مدرن نیز مربوط می‌شود به امتناع از تحمیل تمایز دشمن از دوست بر کثرت زندگی و ایجاد امکان مواجهه با عقاید، ایده‌آل‌ها و ایمان‌های دیگر و سامان بخشیدن به این مواجهه. اگر امت پست‌مدرن بیشتر پاسخگویی به میل تبادل است تا کنترل و اقتدار حاکمانه و اگر چنین امنیتی مخالف تمایز دوست و دشمن است و نه مبتنی بر آن، به وضوح لازم می‌آید که شیره سازماندهی دولت‌ها یا دیگر اشکال سامان سیاسی نیز مورد باز اندیشی قرار گیرد. (بتکه، ۱۳۸۱: ۲۳۵). زیرا گفتمان فرامدرن مبنی بر فروپاشی حاکمیت‌های ملی است. با فروپاشی حاکمیت‌های ملی، مفاهیمی چون امنیت، منفعت ملی، قدرت ملی و حتی جنگ و سلطه بین دولت‌ها بی‌معنا خواهند شد. بنابر این گفتمان فرا مدرن امنیت امنیت جهانی مبتنی بر شکل‌گیری دولت جهانی و شکل‌گیری دولت جهانی منوط به گسترش ارتباطات جهانی در قالب جامعه شبکه‌ای است در گفتمان فرامدرن بعد ذهنی و به ویژه زبانی امنیت بیش از بعد عینی اهمیت می‌یابد و این امر ناشی از کم اهمیت شدن تهدیدات عینی و جایگزینی آن با تهدیدات ذهنی و زبانی (گفتمانی) است. (خلیلی، ۱۳۸۳ :۲۵). بن‌مایه شکل‌گیری نظریه پسان‌گرایی را زیر سؤال بردن مفروضات واقعگرایی و آرمانگرایی در خصوص امنیت شکل می‌دهد. پسائوگرایان نقطه تمرکز خود را در گفتمان امنیت و ساختار نظام بین‌الملل بر نقد دیدگاه واقعگرایی در زمینه جدایی میان حوزه‌های ملی و بین‌المللی قرار می‌دهند. (عسگرخانی و رحمتی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بنا به نظر ریچارد اشلی که با بهره‌گیری از تکنیک‌های ساختار شکنی سنت قوام یافته، واقع‌گرایی یعنی تقسیم حوزه‌های ملی و بین‌المللی که مبنای محدود کردن جامعه در سطح ملی را پذیرا نبوده، به تعریف امنیت تنها در حوزه بین‌المللی باور ندارد. (عباسی اشلی، ۱۳۸۸ :۹۳). از این حیث نگاه واقع‌گرا را نگاه امنیت از برون تلقی می نمائیم یعنی، این دیدگاه به امنیت بین‌الملل به منزله یک امر تشکیک پذیر و مشبک نگاه نمی‌کند، بلکه آن را صرفا در لایه‌ها و وجوه برونی دولت ها یا امیت دولت ها تلقی می‌کند، به عبارت بهتر امنیت بین‌الملل، امنیت نظام بین‌الملل است که آن را از خطر گسترش طلبی دولت‌ها به منزله تنها بازیگران عرصه روابط بین‌الملل مصون می‌دارد و نه نگاه از درون با نگاه جامعه محورانه به امنیت بین‌الملل که نه تنها به امنیت دولت‌ها در صورت‌بندی به نظام بین‌اللمل توجه دارد بلکه بر تمام وجوه امنیت‌ساز در محیط و جامعه بین‌الملل دقت می‌کند. بنا بر تعبیر اشلی امنیت همان چیزی است که در آن امنیت در حوزه داخلی شکل غالب از امنیت تلقی شده و نه تنها در حوزه نظری قایل به بسط دادن امنیت داخلی است بلکه آن را در حوزه عملی نیز به گونه‌ای مهمتر از امنیت در حوزه بین‌المللی می‌داند، ضمنا امنیت در حوزه بین‌المللی را نیز نه به معنای ساختارهای متصل به وجود آمده در فضای دولت - محوری تعبیر می‌کند که آن را تهدیدات نظامی از بین می‌برد، بلکه آن را نوعی دگرگشت به سری امنیت در حوزه‌های دیگر تلقی می‌کنند که در فراگرد عملی آن مفهوم گذار از مضامین پوزیتویستی به پسانوگرایانه نهفته است. مزیت و امتیاز رهیافت موسع‌تر به امنیت آن است که به ما امکان و اجازه می‌دهد تا به نگرانی‌های امنیتی واقعی بشر و تنوع و تهدیدات علیه امنیت فردی و گروهی بپردازیم. از این نقطه نظر، توانایی پرداختن به موضوعاتی در حوزه مطالعات امنیتی مانند مسایل زیست‌محیطی و اجتماعی آشکارار مغتنم است. (عسگرخانی و رحمتی، همان منبع: ۲۳۲). به باور پساساختارگراران به جای آنکه به افزایش امنیت بیندیشیم، باید از موضوعات امنیتی، امنیت زدایی کرد یعنی از حوزه امنیت به حوزه سیاسی حرکت کرد. آنها امنیتی ساختن و افزایش امنیت را همواره مثبت نمی‌دانند و بر امنیت‌زدایی موضوعاتی امنیتی تأکید دارند. (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۲۱۹-۲۲۰).

جیمز دردریان از دیگر پسانوگرایانی است که پیرامون امنیت به مطالعه پرداخته و تبارشناسی، امنیت مجازی و فرهنگ عمومی را در این حوزه بررسی کرده است. در دریان در تبارشناسی امنیت، رهیافت واقع‌گرایی موازی» را به کار می‌گیرد. در این نوع واقعگرایی به خود واقعیت پرداخته نمی‌شود بلکه خود سیستم به خودش – یعنی به واقعیتی فراتر از واقعیت خود می‌پردازد. از نظر او «جنگ خلیج فارس در ژانویه ۱۹۹۱ آشکارترین و روشن‌ترین مورد از حرکت به سوی امنیت مجازی بود. جنگی که بر آمیخته‌ای از تکنولوژی‌های تولید شده، ارتباطات تلویزیونی و شکلی از بازی استراتژیک خشن پایه ریزی شد. او در این راستا می‌گوید که روابط بین الملل سنتی بر فضا و ژئوپولتیک تأکید دارد ولی امنیت مجازی و فرهنگی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

همگانی به کاهش فزاینده نقش فضا و ژئوپولتیک در پهنه روابط بین الملل در برابر آنچه که او سیاست زمان» می نامد قائل است. عباسی اشلقی، همان، ده). در تریان با بررسی مقاله والت با عنوان رنسانس در مطالعات امنیتی می‌گوید: «انسان در این گمان فرومی‌رود که تغییرات سریع در جهان سیاست موجب آغاز بحران امنیت در مطالعات امنیتی شده که این امر مستلزم کنترل صدمات گسترده تئوریک است. (۶- ۱۹۹۵ : ۹۴ Der Defian.)دردریان معتقد است که سؤالات بسیار مهم معرفت‌شناختی هستی‌شناختی و سیاسی با طرح سؤال متعصبانه و تنگ نظرانه در مورد هزینه رسیدن به امنیت، اغلب مورد بی توجهی، غفلت و انحراف قرار گرفته است. با اتخاذ چنین رهیافتی سلاح‌های کشتار جمعی توسعه یافتند و در نهایت منافع ملی را به سوی معمای امنیت بر پایه معاهده‌ای انتحاری تغییر شکل دادند. در دریان در ادامه بیان می‌کند: «امید آن است که در تفسیر خطرات اساسی اواخر مدرنیته بتوانیم شکلی از امنیت را بر پایه درک و بیان صریح مشکلات به وجود آوریم تا عادی‌سازی با ریشه‌کنی آنها، و اگر قرار است امنیت در آینده نیز اهمیتی داشته باشد باید فضایی در بی نظمی جدید، از طریق ایجاد نظریه‌ای متناسب که محدوده خاصی نداشته باشد، بیابیم. » (۱۰۹-۹۷: Ibid). بحث دگرگونی در روابط بین‌الملل، تحول در انگارگان مختلف از جمله صلح را گریز ناپذیر ساخته است، فرایند جهانی شدن در این زمینه تأثیر شگرفی داشته است. جهانی شدن به تراکم عناصر فضا زمان و گسترش فضاهای فراسرزمینی انجامید. از این راه عناصر جدید هویتی بر مبنای طبقه، جنس، زیرگروه‌ها و اقلیت‌ها شکل گرفته است. به عبارتی ملیت تک بعدی و دولت محور جای خود را به هویت چند بعدی و متغیر داده است. این هویت‌ها تحت تأثیر گسترش وسایل ارتباط جمعی جدید به قوام و تقویت نهاد جامعه مدنی می‌انجامد و پایبندی به مشروعیت است و عرف را مخدوش و متزلزل نموده و به رشد فردیت می‌انجامد. این یعنی انقلاب در زندگی روزمره با مشارکت لابه‌های مختلف اجتماعی، به عبارتی متاسیای ناشی از گفتمان اقتدارگرایانه - به ویژه در جوامع توسعه‌نیافته جنوب مخدوش شده و نوع جدید اقتدار را تویل می‌دهد. گفتمان جدید مرزبندی‌های متی جامعه بر پایه جنسیت، مذهب و حتی سیاست به معنای حاکمیت پدرسالانه را تقعیت می‌کند. (۱۶-۱۱ :۱۹۹۲ ,Rosennu). جنبش‌های اجتماعای جدیدی که توسط ملوچی تئوریزه شده انتلست جنبش‌های مبتنی بر اندیشه مقاومت در برابر خشونت دولتی و تعهد به حق سرنوشت هستند. (یشمن، ۲۵۱ : ۱۳۸۱) سیاست قدرت و عدم استقرار نهایی آن، تا پیوستگی را به عنوان مهمترین چالش جهانی مطرح می‌کند. بی‌قاعدگی‌ها و کشمکش‌های پراکنده و بدون نظم در این راستا قابل ارزیابی است، پیوند این شبکه‌ای انسانی در حال گسست با بهره‌گیری از ادراکات همپوشان به مفهوم‌سازی صلح پست‌مدرن (صلح جهانی) یاری می‌رساند. (۷-۵-۲۰۰۳ Falk) چالش‌های مدرنپنه در عرصه تحولات ساختاری و نظریه‌پردازی به موازات روند جهانی شدن (جهان‌گرایی) نقش بسزایی در رشد تفکرات و هنجارهای جهانی شهری و صلح فراگیر داشته است. صلح واقعی از اتصال هنجاری ارزشی در سطوح مختلف خرد (فرو ملی) و کلان

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

(فراملی جهانی) حاصل می‌شود. (معیتی علمداری، ۱۳۸۱: ۲۸۰). پیامدهای این اتصال فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از امکانات و محدودیت‌هاست؛ فرصت‌های ناشی از جامعه‌پذیری گفتمانی مسلح از سطح کلان خرد و چالش‌های ناشی از آسیب‌پذیری آن در این فرایند انتقالی این پیراستگی نوعی تعامل پویای دیالکتیک را میان کنشگران در سطوح مختلف لایه‌های اجتماعی رقم می زند. در این فرایند حتی شاید، همانگونه که باری بوزان نیز می گوید: از مفهوم امنیت هم سیاست‌زدایی شود و امنیت مفهومی غیرامنیتی به عنوان «امنیت بشری، بافته و به مفهوم صلح پست مدرن (صلح جهانی) نزدیک شود. به این روبی شاید بتوان گفت یکی از ویژگی‌های صلح پست مدرن در راستای نفی دوگانگی‌ها، رفع دوگانگی از مفهوم صلح و امنیت باشد. (بنکه، ۱۳۸۱: ۲۲۰). در عصر جهانی شدن اتداومه و اثبات و صلح جهانی یکی از خواسته‌های اجتناب ناپذیر جوامع امروزی است بلکه تا بتوان از هراسی که انسان‌ها از آینده‌ای نامعلوم دارند، جلوگیری کرد و در سایه امنیت جهانی، توانایی‌های اقتصادی و سیاسی ملت‌های جهان تقویت شود و همزیستی مسالمت‌آمیز بدست آید. (نوربخش و سلطانیان، ۵۹ : ۱۳۸۹).

مفهوم امنیت جهانی، به این موضوع اشاره دارد که بحث از امنیت ملی واحدها دیگر نه صرفا در چارچوب دولت حملت‌ها، بلکه در چارچوب تعاملات فرامرزی و گروههای مختلف و نه صرفا در قالب مفهوم مضیق نظامی و سخت‌افزاری قدرت، بلکه در قالب مفاهیم اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی میسر است. در این نگرش مفهوم تهدید عمومیت بافته و صرفا یک مسأله داخلی قلمداد نمی شود، بلکه یک موضوع بین‌المللی می گردد. بنابراین تحول بین‌المللی را که باعث تحول در مفهوم امنیت گردیده می‌توان در قالب مفهوم جهانی شدن توضیح داد. به عبارتی جهانی‌شدن مهمترین عاملی است که به جهان شمولی تجاری امنیتی کمک می کند. (هرسیج و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۰۹- ۱۰۷). بنابراین جهانی شدن علاوه بر تأثیر گسترده در بروز محیط جدید امنیتی، تأثیر شگرفی در عوامل و ابزارهای جدید امنیت و راهکارها و راهبردهای مقابله با تهدیدات دارد و به دگرگونی مفهوم امنیت و توزیع قدرت در جهان و تحول ابعاد آن منجر شده است. (Kolodziej, ۲۰۰۵). جهانی شدن، ابزارهای جدیدی برای برقراری امنیت با تهدید آن به وجود آورده است. جهانی شدن قدرت را سرشکن کرد، و در سراسر جهان و در میان کوچکترین واحد جهانی یعنی انسان توزیع کرده است. اکنون تک تک انسان‌ها می‌توانند چنان قدرتی به دست بیاورند که برای امنیت ملی کشورها خطرناک و مشکل ساز باشند. (Kay : ۲۰۰۴-۲۵). بنابراین کارکردهای آینده اصلح و امنیت جهانی، از منظر تئوری‌های پست‌مدرن در روابط بین‌الملل مستلزم نوعی تعاملی شدید بین حقوق بین‌الملل جهانی و سیاست‌های داخلی در برابر خطر تروریسم جهانی است.

نتیجه‌گیری

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

حقوق بین‌الملل اساسا حقوق صلح می‌باشد، بنابراین هدف اساسی حقوق بین‌الملل برقراری صلح و امنیت بین‌المللی است. با این وجود امروزه چالش‌های فراروی دولت‌ها و جامعه جهانی واکنش بسیار متفاوتی را از نظام حقوقی بین‌المللی و همچنین نقش‌های نوینی را برای این تمام می‌طلبد. روند جهانی شدن و پیدایش تهدیدات پست‌مدرن تروریسم، به طور اساسی ماهیت، فرمانروایی و اهداف اساسی حقوق بین‌الملل را در چندسال گذشته تغییر داده است. در واقع تروریسم از چالش‌های جدی امنیتی در عصر جهانی شدن و مهمترین نگرانی پست‌مدرن فرا رای جامعه جهانی و حقوق بین‌المللی کیفری است که در میان ناامنی‌های جهانی افزوده و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت در روابط بین‌الملل به شمار می‌رود. یعنی با ورود به عصر پست‌مدرنیسم و دوره (پسا بین‌الملل) و عینیت یافتن مفاهیمی چون جهانی شدن، و نوجهانی شدن به عنوان تبدیلی جدید از جهانی شدن (فهم نظری جدیدی از جهان اطراف با تفسیر علم روابط بین‌الملل و با تعاریف متفاوتی از حقوق بین‌المللی، صلح، امنیت و. . .)، و همچنین بحران معنا و تحول پارادایمیک مفاهیم بین‌المللی، اقدمات تروریستی در مرزهای ملی و بین المللی محصور نمانده و تروریسم بین المللی به تروریسم جهانی تحول یافته است. در پاسخ به این وضعیت و در پی ناتوانی تئوری‌های روابط بین الملل به ویژه تئوری‌های امنیت در پیش‌بینی تحولات منجر به فروپاشی نظام دو قطبی و ناکارآمدی مفاهیم امنیت ملی و امنیت بین‌المللی، مفهوم امنیت جهانی به عنوان رویکرد جدید بررسی موضوعات امنیتی مورد توجه محافل علمی و آکادمیک قرار گرفت. به عبارتی پارادایم امنیت جهانی در پاسخ به پارادایم جهانی تروریسم (تروریسم جهانی) طراحی گردید و در عصر پساوستفالیایی انسان محور اصلی مطالعات امنیتی قرار گرفت و گفتمان پست مدرن امنیت (امنیت جهانی) به تبع نفی حاکمیت در چارچوب مرزهای ملی و اهمیت و اولویت بخشیدن به جامعه، دولت و امنیت جهانی، مرکز ثقل امنیت را از دولت به انسان و از ملی به جهانی تغییر داد. در این میان حقوق بین‌الملل نیز همزمان با عصر جهانی شدن و دوره پسا بین‌الملل در برابر تهدیدات پست مدرن متحول شده و این تحول در راستای حاکمیت و اثرگذاری آن بر صلح و امنیت جهانی بوده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ بنکه، آندر باس. ۱۳۸۱. پست مدرنیزه کردن امنیت، ترجمه محمدعلی قاسمی، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶.

ـ تورن، آلن، فقد مدرنیته. ۱۳۸۰. ترجمه مرتضی مردیها، تهران: گام نو، ۱۳۸۰.

ـ خلیلی، رضا، ۱۳۸۳، تحول تاریخی، گفتمان علوم امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم.

ـ سلیمی، حسین. ۱۳۷۸. نقد روی شناختی علم روابط بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۳، شماره ۳.

ـ سواری، حسن و پیری، حیدر. ۱۳۹۰. منافع ملی حیات دولت‌ها در پرتو معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره سوم

ـ عباسی اشلقی، مجید. ۱۳۸۸. از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم در روابط بین‌الملل، ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۳۱۶-۲۵۶.

ـ عبدالله‌خانی، علی ۱۳۸۳. نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)، تهران: انتشارات موسسه مطالعاتی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، جلد اول.

ـ عسگرخانی، ابومحمد و رحمتی، رضا. ۱۳۹۰. بررسی امنیت بین‌الملل: در گذر از نظریه واقعگرایی به. پسانوگرایی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره۲۴.

ـ قادری کنگاوری، روح‌الله و آقایی خواجه پاشا، داود. ۱۳۹۱. تحلیل تطبیقی مبانی نظری و عملی مقاومت و تروریسم؛ حقوق و تکالیف نهضت‌های آزادی بخش، آفاق امنیت، شماره ۱۷.

ـ قادری، سیدعلی. ۱۳۶۸. مبانی سیاست خارجی در اسلام: مفهوم امنیت، مجله سیاست خارجی، سال سوم، . شماره ۲

ـ گیبنیز، بوریمر، جان. ار. ۱۳۸۰ . سیاست پست مدرن، ترجمه منصور انصاری، تهران :گام نو.

ـ معینی علمداری، جهانگیر. ۱۳۸۱. کانت‌گرایی، فراکانت‌گرایی و نظم جهانی، مجله دانشکده حقوق و. علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۷

ـ موسوی، فاطمه. ۱۳۸۸. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مجموعه مقالات در تدارک صلح جهانی، تهران: موسسه نشر شهر.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ میرکوشش، امیر هوشنگ و نوری صفا، شهرزاد. ۱۳۹۲. هستی‌شناسی صلح بین‌الملل در بستر فرهنگ مدارا و. صلح ایرانی، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۷، سال ۲۲

ـ نوربخش، یونس و سلطانیان، صدیقه ۱۳۸۹. جهانی‌شدن و چالش‌های دینی و ملی حاصل از آن، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره سوم، پاییز.

ـ هرسیج، حسین، و فتاحی، سیداحمد. ۱۳۸۹. امنیت به مثابه مفهومی وابسته و منازعه‌انگیز، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۱

ـ یتمن، آنا. ۱۳۸۱. تجدید نظرهای فرامدرن در سیاست، ترجمه مریم وتر، تهران: نشرکویر.

یبلیس، جان، ۱۳۷۸. امنیت بین‌الملل در عصر پساجنگ سرد، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، تهران: خدمات نشر، دوره عالی جنگ.

__ Baudrillard in the Political Subject of Violence, ed. G. M. Dillon and David Campbell, Manchester University Press, Revised and Reprinted in oln Security, ed. Combridge University Press.

__ Der Derian, J. , (1993), The Value of Security: Hobbes, Marx, Nietzche and

__ Der Derian, James and Michael J. Shapiro, (1989), International Intertextual

__ Falk, Richard, (2003), After Iraq is Therea Future for the Charters System?

__ Kay, Sean, (2004),Globalization Power and Security, Security Dialogue;Vol. 35,

__ Kolodziej, Edward, (2005), Security and International Relation, Combridge: Lynner Inenner, press.

No. 1.

__ Relations:Post Modernism Readings ofWorld Politics, Lexington Book, Press. Ron Lipshutz, Columbia University Press 1995.

__ Rosenau, James, (1992), The United Nation in a Turbulent World, London: War Prevention and the U. N. Counterpunch, July 2

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]